

نشانه‌های عزت نفس

در رفتار بازماندگان قیام عاشورا

دکتر عباس صادقی / ایرج شاکری‌نیا

استادیار دانشگاه گیلان / عضو هیأت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه گیلان

چکیده

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸)؛ همانا عزت از آن خداوند و سپس رسول او و آنگاه مؤمنان است.

حضرت زینب علیها السلام از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین زنان اسلام و دارای فضایل و کمالات بی‌شمار است. سراسر زندگی این بانوی بزرگوار اسلام پر از حوادث و مصیبت‌های بزرگ بوده است. توانایی مقابله با این همه مصائب از عنصر روانی به نام «عزت نفس» ناشی می‌شود. این شیرزن دشت کربلا طی چند روز ناملایماتی را تحمل کرد که هر کدام به تنهایی برای از پای انداختن فرد کافی است. زینب علیها السلام یک‌تنه در مقابل تمام این مشکلات به مقابله برخاست و طومار ظلم یزیدیان را در هم پیچید و سرافراز و سربلند پیام قیام حسینی را برای همگان روشن کرد. بنابراین، با الهام گرفتن از رفتار عزت‌منشانه در خاندان عصمت و طهارت، به‌ویژه حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام و اینکه این رفتارهای عزتمند ارتباط تنگاتنگی با آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم خانوادگی دارد، می‌توان بیش از پیش خانواده‌های مسلمان به‌ویژه بانوان شیعه را در الگو برداری از این رفتارها و انتقال مناسب آنها به فرزندانشان یاری نمود.

کلیدواژه‌ها: عزت نفس، قیام عاشورا.

مقدمه

«عزت نفس»، ارزیابی‌ها و نگرش‌هایی است که در مورد خود داریم. (کوپرسمیت، ۱۹۶۷، ص ۳۴) این ساده‌ترین تعریف از عزت نفس است. ارزیابی شخص از خود به طور مداوم وجود دارد؛ مثلاً، فردی که معمولاً خود را تأیید می‌کند یا بعکس، بیشتر اوقات خودش را مورد تأیید قرار نمی‌دهد.

اعتقاداتی که شخص راجع به خودش دارد، می‌تواند در جهت توانایی‌ها، شایستگی‌ها، موفقیت‌ها و ارزش‌های خود باشد. به طور کلی، می‌توان عزت نفس را بدین صورت تعریف کرد: «قضایاتی که شخص به طور مداوم و پیوسته از خود دارد». بدیهی است که نگرش انسان راجع به خود تغییر می‌کند، اما آنچه مورد نظر این تعریف است، مربوط به نگرش ویژه‌ای است که معمولاً و به طور مستمر وجود دارد. (همان، ص ۸۳) عزت نفس درکی است که فرد از خود دارد، اما این درک با قضاوت‌های ارزشی همراه است و دربرگیرنده میزانی از حرمت خویشتن* و خویشتن‌پذیری** است. بنابراین، حس ذهنی و دیرپایی از میزان پذیرش خود به شمار می‌رود. (کرسینی،*** ۱۹۸۴/ بندر، ولز و پترسون**** ۱۹۸۹/ ماسن، کیگان و هوستون، ۱۳۶۸) مسر***** (۲۰۰۱) اشاره دارد که شواهدی از ضعف عزت نفس یا عزت نفس پایین در افرادی که نیازمند کمک روان‌شناختی هستند مشاهده شده است. پوپ، مک‌هال و کرای‌هد (۱۳۷۳) دریافتند که عزت نفس مثبت، عامل مهمی در سازگاری اجتماعی - عاطفی است.

* Self Regard.

** Self-Acceptance.

*** Corrsini.

**** Bender, Wells and Peterson.

***** Meser.

فردی که از عزت نفس بالاتری برخوردار است، در برابر انواع مشکلات و مسائل زندگی، تنیدگی‌های روان‌شناختی، تهدیدها و حوادث ناگوار طبیعی و بیماری‌های روان‌شناختی، مقاوم‌تر و پایدارتر خواهد بود و این امر شکوفایی استعدادهای نهفته، خلاقیت و پیشرفت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی وی را به دنبال خواهد داشت. بسیاری از روان‌شناسان برخورداری از عزت نفس را عامل کانونی و اساسی سازگاری عاطفی و اجتماعی افراد می‌دانند. (حسن‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۹۶) رضای نیاز عزت نفس به فرد اجازه می‌دهد تا نسبت به قابلیت، ارزشمندی و کارآمدی خود اطمینان یابد و البته عدم تأمین این نیاز، موجب احساس حقارت و ناتوانی در حل مشکلات می‌شود. (حقیقی، مهربانی‌زاده، زندی، دره‌غریبی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵)

زیرساخت‌های عزت نفس از دوران کودکی آغاز می‌شود. بازخوردی که از اطرافیان، بخصوص والدین، به کودک می‌رسد، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر عزت نفس دارد. کودک اولین تجارب اجتماعی خود را در خانواده کسب می‌کند. ارتباط و تعاملات با همسالان و سایر افراد مهم بر پویایی فرایند اجتماعی شدن کودک تأثیر می‌گذارد. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد کودکانی که رابطه گرم و صمیمانه‌ای با والدین خود نداشته‌اند دارای عزت نفس پایینی می‌باشند.

مطالعات همسان نشان داده است که بین فرزند پروری و عزت نفس همبستگی وجود دارد. والدین دارای فرزندان عزت نفس بالا، خود دارای عزت نفس بالا و افرادی منطقی هستند و در تربیت فرزندانشان متعادل عمل می‌کنند. بعکس، والدین فرزندان دارای عزت نفس پایین، خود دارای عزت نفس پایینی بوده، متناوباً رفتارهایی سختگیرانه و سهل‌گیرانه داشتند.

یافته‌های تحقیق ال‌رود و کریس (۱۹۸۰) نشان داد که عزت نفس بالا نه تنها

همبستگی زیادی با ارتباط نزدیک بین والدین و فرزندان دارد، بلکه این ارتباط بین پسران با پدران و دختران با مادران بارز بود. این امر بدین معنا نیست که برقراری یک رابطه نزدیک با فرزندان، به آنها یک خود پنداره جدید اعطا می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که یکی از خصوصیات عزت نفس بالا در بچه‌های مدرسه، داشتن ارتباط خوب با والدین است.

کودکان دارای عزت نفس پایین با محدود کردن رفتارهای خود و انطباق خواسته‌های خود با انتظار بزرگان رفتار می‌کنند؛ چون در غیر این صورت، توجه و لطف افراد مؤثر را از دست می‌دهند و مطرود واقع می‌شوند. از سوی دیگر، این کودکان روابط اجتماعی محدودی دارند. در ذیل، به برخی از دلایل احتمالی این مسئله اشاره می‌شود:

۱. آنها احساس می‌کنند که در نظر دیگران ارزشمند نیستند؛ از این رو، ترجیح می‌دهند تنها باشند.

۲. محیط آنها فرصت‌های لازم برای تعامل را فراهم نکرده است. به همین دلیل، مهارت‌های لازم را برای برقراری ارتباط نیاموخته‌اند؛ از این رو، در حضور دیگران احساس ناراحتی می‌کنند. علاوه بر این، از سوی دوستان نیز کمتر به عنوان دوست برگزیده می‌شوند.

۳. والدین و مراقبان، آنها را مورد لطف و محبت قرار نداده‌اند و یا شرایط اجتماعی موجب جدایی آنها از یک کودک را فراهم آورده است. در نتیجه، کودک بیشتر به تمایلات شخصی خود می‌پردازد تا علایق جمعی. (کوپرسمیت، ۱۹۶۷، ص ۲۸۶) تحقیقات نشان داده است که عزت نفس با موفقیت ورزشی کشتی‌گیران و فوتبالیست‌ها رابطه مثبت دارد. (بشارت، عباسی، شجاع‌الدین، ۱۳۸۱) کلمز، کلارک و بین (۱۳۸۰)، معتقدند که عزت نفس پایین با احساس ناتوانی گریز از

موقعیت‌های نگرانی‌زا، بهانه جویی، ناامیدی و تأثیر ناپذیری آسان مرتبط است. حسن زاده (۱۳۷۸)، نشان داده است که بین هم‌رنگی و عزت نفس رابطه معکوس وجود دارد. همچنین عزت نفس با اضطراب رابطه منفی داشته و با سوگیری مذهبی رابطه مثبت دارد. (بهرامی، ۱۳۸۱، ص ۳۳۸) رابطه عزت نفس با فشارهای روانی و شیوه‌های مقابله نیز مورد توجه واقع شده است. یافته‌ها نشان داده است که سطوح بالای عزت نفس موجب کاهش فشارهای روانی می‌شود. (نعمت طاووسی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۷ / هاد، دومیدو*، ۲۰۰۰، ص ۲۱۸ / مک دونالد و لوئیس**، ۲۰۰۱، ص ۳۰۷۵) بر اساس تحقیقی دیگر، تغییرات مربوط به توانایی مقابله‌ای آزمودنی‌ها با منبع کنترل، سلامت روانی و عزت نفس آنها مرتبط است. (گایپینگ، هویچانگ و چن***، ۲۰۰۱، ص ۴۳۲)

عزت نفس و نشانه‌های آن در سیره حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام در پنجم ماه جمادی‌الاول سال پنجم یا ششم هجری، یعنی دو یا سه سال پس از ولادت برادر بزرگوارش امام حسن علیه السلام، در مدینه دیده به جهان گشود. او فرزند سوم علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام بود. کنیه آن حضرت ام‌کلثوم و ام‌الحسن بوده است. زینب کبری یکی از محترم‌ترین و بزرگ‌ترین زنان اسلام است؛ دختر امیرمؤمنان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام است، خواهر حسین علیه السلام و عروس جعفر طیار است، بالاتر از همه، سبط رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد و درای فضایل و کمالات بی‌شمار. استقامت و پایداری این بانوی بزرگ اسلام در مصائب، تاکنون

* Hudd & Dumido .

** McDonald, Lois.

*** Guiping, Huichang & Chen.

از کمتر کسی مشاهده شده است. هر چند حوادث تلخ در زندگی ام‌المصائب کم نبوده است (نظیر رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ، شهادت مادر، پدر و برادرانش)، اما با توجه به هدف این نوشتار، تنها به بخش‌هایی از رفتار و گفتار این بانوی بزرگوار در جریان واقعه عاشورا پرداخته می‌شود.

روز عاشورا و روزهای پس از آن، ایامی به غایت سخت و دشوار برای حضرت زینب علیها السلام بود. شهادت عزیزان، تازیانه‌ها بر تن مجروح اسرا و ناراحتی‌های کودکان، فشارهای سنگینی را بر آن حضرت وارد کرده بود. زینب علیها السلام با بردباری همه این مصائب را تحمل می‌کرد و لب به شکوه و شکایت نمی‌گشود. علاوه بر این، هر جا موقعیت مناسبی می‌یافت، چه در کوفه و چه در شام، مفاسد بنی‌امیه و فجایعی را که مرتکب شده بودند بیان می‌کرد و بدین وسیله بر حقانیت قیام امام حسین علیه السلام صحه می‌گذاشت. این‌گونه اعمال را می‌توان نشأت یافته از روحیه‌ای توانمند دانست که مایه‌های پر بار عزت نفس در آنها عیان است؛ روحی بزرگ و پرشکوه که محصول تربیت خانوادگی زینب علیها السلام در خاندان پاک نبوت است. نگاهی گذرا به محیطی که آن حضرت در آن پرورش یافت مشخص می‌کند که تربیت و پرورش خانوادگی چگونه در ایجاد عزت نفس و بزرگی روحی حضرتش مؤثر بوده است:

خانه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام محل پرورش این استعدادها می‌توانند بوده است. زندگی پاک و بی‌آلایش سراسر صدق و صفا و مدارا همراه با قناعت و مناعت طبیعی که علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام فراهم کرده بودند موجب شده بود که به جای توجه به ذخارف مادی، به سرمایه‌های معنوی و انسانی توجه شود. مصادیق فراوانی از این‌گونه رفتارها در زندگی این بزرگان یافت می‌شود که در سیره عملی زندگی آنها ضبط شده است.

حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمود: «من دنیای دنیاپرستان را دوست ندارم.» ضرار، که به علی علیه السلام بسیار نزدیک بود، چنان‌که گویی همواره با وی به سر می‌برده است، این‌گونه از آن حضرت سخن می‌گوید: شبی شنیدم که حضرت علی علیه السلام می‌گفت: ای لذت‌ها و ای شهوت‌ها، بیهوده به دامن من می‌آویزید. بیهوده پیرامون من مگردید، از جان من دست بردارید که جان من پرنده‌ای بلند پرواز است و چنین پرنده‌ای از دام عنکبوت‌های مگس‌خوار دور بماند و بدین تارهای سست در نیچد. من دنیا را همسری نامهربان و سست عهد یافتم و آن را در پیشگاه خدا و وجدان خویش سه بار طلاق گفتم. آیا روا باشد که کسی به همسر سه طلاقه خویش باز گردد؟! (فاضل، ۱۳۹۸، ص ۹۸) در وصف از خود گذشتگی و ایثار فاطمه زهرا علیها السلام نیز روایات و احادیث فراوانی نقل شده است. عرب تازه مسلمانی در مسجد مدینه از مردم کمک خواست، پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خود نگریست، سلمان فارسی برخاست تا نیاز آن بی‌چاره را برطرف نماید، هر جا رفت دست خالی برگشت. با ناامیدی به طرف مسجد می‌آمد که چشمش به منزل حضرت زهرا علیها السلام افتاد. با خود گفت: فاطمه سرچشمه نیکوکاری است؛ از این‌رو، درب خانه را کوبید و داستان عرب مستمند را شرح داد. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: ای سلمان، به خداوندی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برگزید، سه روز است که غذا نخورده‌ایم و فرزندانم از شدت گرسنگی بی‌قراری می‌کردند و خسته و مانده به خواب رفته‌اند. اما من نیکی و نیکوکاری را که در خانه مرا کوبیده است رد نمی‌کنم. آنگاه پیراهن خود را به سلمان داد تا در مغازه شمعون یهودی گرو گذاشته، مقداری خرما و جو قرض بگیرد. سلمان می‌گوید: پس از دریافت جو و خرما به طرف منزل فاطمه علیها السلام آمدم و گفتم: دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله! مقداری از این غذاها را برای فرزندان گرسنه‌ات بردار. پاسخ داد: ای سلمان، این کار را برای خدای بزرگ انجام دادم و هرگز از آن چیزی بر نمی‌دارم. (شریفی، ۱۳۷۸، ص ۱۸)

حضرت زینب علیها السلام و دیگر فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در چنین فضایی پرورش یافتند و از این رو، توانستند الگوی ایثار و از خود گذشتگی و صبر قلمداد شوند، به نحوی که در روز عاشورا در برابر چنان فجایعی مقاومت نموده، به افشای دستگاه خلافت یزیدیان پرداختند.

حضرت زینب علیها السلام همچون قهرمانی وصف ناپذیر، پس از عصر عاشورا کمر همت بست تا در برابر انواع طوفان‌های شکننده حوادث، راست قامت باقی بماند. او این نهال نوپا (نهضت حسینی) را پرورش داد، آن را با خود به کوفه و شام و مدینه برد و با هجرت‌ها و مجاهدت‌های خستگی ناپذیرش، آن را به جهانیان شناساند. بنابراین، نهضت عاشورا ثمره مجاهدات امام حسین علیه السلام بود و زینب علیها السلام پرورش‌دهنده این نهال. حضرت زینب علیها السلام این نهال را بسیار عالی پروراند و بسیار جالب پیام‌های آن را به جهانیان ابلاغ فرمود.

وی از مدینه تا مکه و از آنجا تا کربلا و در ماجرای عاشورا، یار و یاور مخلص و پشتوانه نیرومند امام حسین علیه السلام بود؛ تا آنجا که دو نوجوانش محمد و عون را در روز عاشورا فدای نهضت حسینی کرد. وقتی امام حسین علیه السلام پیکر به خون تپیده این دو نوجوان را کنار خیمه آورد، زینب علیها السلام از خیمه بیرون نیامد، مبادا رنج امام با دیدن وی افزون شود؛ ولی در مورد حضرت علی اکبر از خیمه بیرون دوید و به استقبال پیکر پاره پاره او شتافت، با برادرش همنوا شد و مطابق برخی از روایات، برای تسلی خاطر برادر زودتر به بالین علی اکبر شتافت. هنگامی که امام علیه السلام به قتلگاه رسید نخست نگاهش به زینب علیها السلام افتاد. این تدبیر، در فرونشاندن شدت ناراحتی امام نقش مؤثری داشت.

زینب علیها السلام پس از واقعه عاشورا سه وظیفه را بر عهده گرفت:

۱. سرپرستی بازماندگان شهدا؛ ۲. حمایت و نگهداری از امام وقت، حضرت امام سجاد علیه السلام؛ ۳. ابلاغ پیام شهیدان به مردم.

خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام در کوفه دو خطبه و در شام (در مجلس یزید) نیز یک خطبه خواند. این خطبه‌ها چنان تأثیرگذار بود که تمام نقشه‌های شوم یزیدیان را نقش بر آب کرد و همچون رعد و برق، روشنگر و کوبنده تمامی بافته‌های سی و چند ساله بنی‌امیه را به تزلزل انداخت. حذیم می‌گوید: به زینب نگاه کردم. سوگند به خدا که تا آن روز بانوی پوشیده و نجیبی را همانند او ندیده بودم که آنچنان قاطع و شیوا سخن بگوید. گویی سخنانش از زبان علی علیه السلام فرو می‌بارید. به مردم اشاره کرد که ساکت باشید. با این اشاره، نفس‌ها در سینه‌ها حبس شد، زنگ‌هایی که بر گردن اسب‌ها و شتران بود از حرکت باز ایستاد. آنگاه خطبه خود را با حمد و سپاس خدا و درود به پیامبر و خاندانش آغاز کرد.

با انتخاب این کلمات و جملات برای شروع خطبه، خود و اسیران را معرفی می‌کند و نسبت خویش را با پیامبر اسلام روشن می‌کند تا همگان دریابند که اهل این قافله از کدام قبیله و دودمانند و از این طریق، بر افکار و احساسات شنوندگان دست پیدا کند و مردم به آنها به چشم اسیر ننگرند.

در بخشی از خطبه با نگرشی دقیق و ظریف با صفاتی همچون «درمان دردها»، «چراغ راه»، «پناهگاه جمع» و ...، به معرفی شخصیت امام حسین علیه السلام می‌پردازد و بدین سان، عظمت و ابهت خاندان نبوت را متذکر می‌شود. وی با اشاره به عمق فاجعه، صحنه را کاملاً تغییر می‌دهد تا آنجا که صدای مردم کوفه به گریه بلند می‌شود. آن استاد سخن با مردم کوفه سخن می‌گوید و آنها را بر کار زشتی که مرتکب شده بودند ملامت و سرزنش می‌کند. مردم کوفه پس از شنیدن آن سخنان، همچون ستمکاران روز قیامت، حیران و سرگردان، دست‌های خود را به دندان می‌گزیدند. (اشتهاردی، ۱۳۷۹، ص ۲۶) خطبه او در کوفه در مجلس ابن زیاد و خطبه غرای او در مجلس یزید ایراد شدند. ابن زیاد با بیان کلمات نیش‌دار

و طعنه‌آمیز در خصوص شکست امام علی علیه السلام، با شماتت به حضرت زینب علیها السلام گفت: دیدی خدا با برادر و خاندانت چه کرد؟ زینب علیها السلام در پاسخ فرمودند: «جز خوبی ندیدم. اینان افرادی بودند که خداوند مقام ارجمند شهادت را سرنوشتشان ساخت. از این رو، داوطلبانه به آرامگاه‌های خود شتافتند و به زودی خداوند بین آنان و تو جمع کند، تا تو را به محاکمه بکشند. اکنون بنگر در آن محاکمه چه کسی پیروز و چه کسی مغلوب و درمانده است. مادرت به عزایت بنشیند ای پسر مرجانه.» این کلمات برای عبیدالله بسیار تلخ و ناراحت‌کننده بود، بخصوص لقبی که حضرت برای وی به کار برد. این لقب، از توهین‌آمیزترین القاب بود و اشاره به نامشروع بودن وجود وی و بدنام بودن مادرش داشت.

خطبه حضرت زینب علیها السلام در مجلس شام از این هم تأثیرگذارتر است؛ چنان‌که یزید ملعون به یکباره تمام تقصیرها را بر گردن ابن زیاد می‌اندازد تا بدین وسیله از قبول مسئولیت عظیم شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش و به اسارت بردن خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله شانه خالی کند و خود را در این جریان بی‌تقصیر جلوه دهد. هرچند که ابتدا چنین نبود. پیروزی بر امام حسین علیه السلام در نظر یزید بسیار بزرگ جلوه می‌کرد؛ چون نخستین فتح دوران سلطنت او بود. غرور سراپای او را فراگرفته بود، از باده فتح و پیروزی سرمست شده، جوانی شعورش را برده بود، سلطنت عقلش را رابوده و شراب ناب هم اداراکی برایش باقی نگذاشته بود. اسیران را برای خودنمایی در مجلس حاضر کرد، مشغول شماتت شد، و دین و ایمان را به بازی گرفت. پست فطرتی خود راهنگامی آشکار ساخت که با چوب خیزران بر لبان مقدس امام علیها السلام که در حضورش نهاده بودند نواختن آغاز کرد. در این هنگام، زینب علیها السلام برخاست و فجایع بنی‌امیه را برای مجلسیان و تمام جهانیان روشن کرد، بزرگی و طهارت خاندان رسول خدا را ابلاغ نمود و مظلومیت دودمان پیامبر را شناساند، به گونه‌ای که یزید از انجام عمل خویش خجل و سرافکنده شد. (شریفی، ۱۳۷۸، ص ۱۸)

رفتارهای افشاگرانه

علاوه بر خطبه‌های غرایی که حضرت زینب علیها السلام برای تنویر افکار عمومی و بیان حقانیت راه امام حسین علیه السلام و شهیدان مظلوم کربلا ارائه کرد، کلیه فعالیت‌های آن حضرت به نوعی در جهت شناساندن عظمت و بزرگواری خاندان عصمت و طهارت و خوار و خفیف انگاشتن دشمنان بود. شاید بر همین اساس بود که پیامبر صلی الله علیه و آله ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام را همچون خدیجه کبری علیها السلام خواند. در آن هنگام که خبر ولادت حضرت زینب علیها السلام را به پیامبر صلی الله علیه و آله دادند، آن حضرت فرمودند: «به حاضران و غایبان سفارش می‌کنم که احترام این دختر را پاس بدارند. همانا این دختر شبیه حضرت خدیجه است.» در این تشبیه، اسرار عمیقی نهفته است: همان‌گونه که وجود پربرکت حضرت خدیجه علیها السلام برای پیشرفت اسلام بسیار مبارک و کارساز بود و همچون مادری اسلام را پرورش داد، و همه امکانات خود را در جهت پیشرفت اسلام با کمال ایثار نثار کرد، زینب علیها السلام نیز این‌گونه با پا نهادن بر جای پای جد‌هاش خدیجه علیها السلام، از اسلام حمایت کرد و نهضت عاشورا را که حادثه‌ای عظیم برای نجات اسلام از دستبرد ناپاکان بود پروراند و همه امکاناتش را در این راه نثار کرد.

در این قسمت به گوشه‌ای از فعالیت‌های آن حضرت اشاره می‌شود:

الف. بیان اصالت خانوادگی خود و بی‌اصالتی دشمن

حضرت زینب علیها السلام به این نکته توجه داشت که باید اصل و نسب خانوادگی را در رفتار خود متجلی سازد. از این رو، هنگام سخن‌گویی با مردم کوفه بر اصالت خانوادگی خود تأکید می‌ورزد و از پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان پدر یاد می‌کند تا عواطف و احساسات مردم را تحریک نماید و - همان‌گونه که بیان گردید - در مجلس ابن

زیاد بر بی‌اصالتی خاندان وی تأکید می‌کند. یا در فرازی از خطبه خود در دربار یزید، به معرفی یزید، پدر، جد و جداهش می‌پردازد و اصالت خانوادگی خود را یادآوری می‌نماید.

ب. حفظ ارزش‌ها

درس دیگر حضرت زینب علیها السلام تأکید بر حفظ و پاسداشت ارزش‌های اصیل اسلام بود؛ نظیر برقراری نمازها، حتی نوافل شبانه و حفظ حجاب. زنان اهل بیت با اینکه اسیر بودند ولی هیچ‌گاه ذلیل نبودند، بلکه با انجام رفتارها و اعمال مبتنی بر اعتقادات و باورهای خود، سعی می‌کردند صلابت و بزرگی هدفی را که داشتند اعلام کنند. زنان اهل بیت با آنکه اسیر بودند و لباس‌ها و خیمه‌هایشان غارت شده بود و با وضع نامطلوب در معرض دید تماشاچیان بودند، اعتراض‌کنان بر حفظ حجاب خویش تأکید می‌ورزیدند. برای مثال، حضرت زینب علیها السلام در سخنرانی خود در کاخ یزید به انتقال شهر به شهر بانوان اعتراض کرد و فرمود: «ای پسر آزاد شده، آیا در پشت پرده قرار دادن زنان و کنیزان خود و جلو انداختن دختران رسول خدا به صورت اسیر، از عدل است؟ تو پرده آنان را دریدی و چهره‌هایشان را آشکار کردی، از شهری به شهری می‌گردانی، رهگذران و بام‌نشینان به تماشایشان می‌نشینند و آشنا و بیگانه به چهره آنان خیره می‌شوند.»

یکی از عوامل موفقیت حضرت زینب علیها السلام در رساندن پیام امام حسین علیه السلام به جهانیان، تبلیغ عملی ایشان بود. او همواره تلاش می‌کرد به وظیفه الهی خود عمل کند و در رعایت حلال و حرام هیچ‌گونه سهل‌انگاری را جایز نمی‌دانست. زمانی که اسرا را وارد کوفه کردند، مردم کوفه از روی ترحم، به اطفال و اسیران نان و خرما می‌دادند. حضرت زینب علیها السلام آنها را از دهان کودکان در می‌آورد و به طرف مردم

پرت می‌کرد و می‌فرمود: «مگر نمی‌دانید که صدقه بر ما اهل بیت پیامبر حرام است؟» و نان و غذای خود را بین بچه‌ها تقسیم می‌کرد و بدین ترتیب، سه روز یا بیشتر گرسنه می‌ماند ولی اجازه نمی‌داد که بچه‌ها ذره‌ای از صدقه را تناول کنند. یکی دیگر از موارد عملی تبلیغ حضرت زینب علیها السلام حفظ حجاب است. او نه تنها در حالت عادی، بلکه در بحرانی‌ترین لحظات زندگی اهتمام زیادی در حفظ حجاب خود از انظار و دیده‌های مردم داشت. راوی می‌گوید: وقتی از حج برمی‌گشتم، وارد کوفه شدم. دیدم اسرا را وارد کردند ... زینب کبری فریاد می‌زد: «ای مردم! آیا از خدا و رسولش حیا نمی‌کنید که به حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که پوششی ندارند می‌نگرید؟»

نتیجه

کوثر زلال عاشورا در متن زندگی شیعه و در عمق باورهای پاک جریان داشته و در طول چهارده قرن سیراب‌کننده جان‌ها بوده است. اینک نیز عاشورا پرگاری است که عشق را ترسیم می‌کند و کانونی است که ارزش‌ها، احساس‌ها، عواطف، عقل و اندیشه‌ها بر گردش می‌چرخند. بی‌شک، محتوا، انگیزه‌ها و اهداف و درس‌های آن، حماسه عظیم فرهنگی و الهام‌بخش را تشکیل می‌دهد. از این رو، در حوزه وسیع تشیع و دل‌باختگان اهل‌بیت، پیروان عترت همه با فرهنگ عاشورا زیسته‌اند و برای آن جان باخته‌اند. آنان در آغاز تولد، کام نوزاد را با تربت سیدالشهدا و آب فرات برمی‌دارند و هنگام خاکسپاری، تربت کربلا را با میت همراه می‌کنند. شیعیان از روز ولادت تا هنگامه مرگ به حسین بن علی علیه السلام عشق می‌ورزند و برای شهادتش اشک می‌ریزند و این مهر مقدس با شیر وارد جانشان می‌شود و از جان به در نمی‌رود.

عاشورا از دیرباز تجلی‌گر روز درگیری حق و باطل و روز فداکاری و جانبازی در راه دین و عقیده شناخته شده است. حسین علیه السلام در این روز با یارانی اندک ولی باایمان و صلابت، و عزت نفسی مثال زدنی با سپاه سنگدل و تا به دندان مسلح اموی به مقابله برخاست و کربلا را به صحنه همیشه زنده عشق خدایی و آزادگی مبدل ساخت. در عین حال، نهضت کامل نمی‌شد، مگر با پیام‌آوری حضرت زینب علیها السلام. هر چند بار سنگین فراق و اسارت پشتش را خم کرده بود، در همه جا از فرصت استفاده می‌کرد تا پیام نهضت حسینی و اهداف آن را برای همگان روشن کند و الحق هم که در این راه وظیفه خود را به شایسته‌ترین وجه به انجام رساند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. اشتهاردی، محمدمهدی؛ «زینب علیها السلام پیامبر عاشورا»؛ ماهنامه پاسدار اسلام، ش ۱۹۸، ۱۳۷۹.
۲. بشارت، محمدعلی، عباسی کلجی، غلامرضا و شجاع‌الدین، سیدصدرالدین؛ «بررسی رابطه خشنودی شغلی و عملکرد شغلی با توجه به متغیر تعدیل‌کننده عزت نفس»؛ مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ش ۳ و ۴، ۱۳۸۱.
۳. بهرامی احسان، هادی؛ «رابطه جهت‌گیری مذهبی، اضطراب و حرمت خود»؛ مجله روان‌شناسی، ش ۴، ۱۳۸۱.
۴. پوپ، ایس، مک‌هال، موزان و کرای‌هد، ادوارد؛ «افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان»؛ ترجمه پریسا تجلی، تهران: رشد، ۱۳۷۳.
۵. حسن‌زاده، رمضان؛ «بررسی رابطه عزت نفس با همرنگی در دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان ساری»؛ مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ش ۳ و ۴، ۱۳۷۸.
۶. حقیقی، جمال، مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز و زندی دره‌گریبی، تاج محمد؛ «رابطه سلسله مراتب نیازهای مازلو با اضطراب آموزشی و عملکرد تحصیلی با کنترل وضعیت اجتماعی - اقتصادی»؛ مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ش ۳، ۱۳۷۹.
۷. شریفی، عنایت‌الله؛ «شیوه‌های تبلیغی حضرت زینب علیها السلام»؛ مجله میلغان، ج ۴، ۱۳۷۸.
۸. فاضل، جواد؛ سخنان علی علیه السلام، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۹۸ ق.
۹. کلمز، هریس، کلارک، اکینه، و بین رینولد؛ روش‌های تقویت عزت نفس در نوجوانان؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰.
۱۰. ماسن، پاول هنری، کیگان، جروم و هوستون، آلتا کارول؛ رشد و شخصیت کودک؛ ترجمه مهشید یاسایی؛ تهران: مرکز، ۱۳۶۸.
۱۱. نعمت طاووسی، محترم؛ «بررسی رابطه بین حرمت خود و تنیدگی‌های زندگی روزمره»؛ مجله علوم روان‌شناختی، ش ۲، ۱۳۸۰.

12. Coorresmith, S. *The antecedents of self esteem*, Sanfrancisco: W.H.freeman, 1967.
13. Corsini, R.J. *Encyclopedia of psychology*, (3), 1984.
14. Elrod, M.M. & Crace, S.J. Sex differences in self esteem and parental behavior. *Psychological reports*.(46), 1980.
15. Guiping, W. Huichang, Chen. Coping styles of adolescence under academic stress there locus of control, self esteem and mental health. *Chinese Mental Health Journal*(15), 2001.
16. Hudd, S.Dumido, J. et al. (2000). Stress at college: Effects on health habits, health statue & self - esteem. *College Student Journal*.(34), 2001.
17. McDonald, Lois, R. The relationship of gender differences in coping resources to symptoms of stress. Dessertation Abstracts international section A:*Humanities & Social Science* (61), 2001.
18. Messer, S. B. Empirically Supported treat events. in Slife, B. B. et al. *Critical Issues in psychotherapy*. Sage Publications. PP, 2001.